

نقش مدارس صهیونیستی در حفظ کیان نامشروع رژیم اسرائیل

میریت مجدی نجیب^۱
مترجم: علی عباسی

◆ اشاره

سال ۱۹۷۷ روند جدیدی از حکومت‌داری در فلسطین اشغالی آغاز شد. در این سال برای اولین بار جناح دست راستی لیکود با حمایت احزاب و گروه‌های تندرو مذهبی در انتخابات پیروز شدند و نخست‌وزیری این رژیم برای اولین بار به دست یک تندرو افراطی و شاگرد ولادیمیر ژاپوتنسکی تجدیدنظر طلب افتاد. معنای این تحولات در بدو امر اجرای سیاست‌های تند یهودی در فلسطین اشغالی به نظر می‌رسد ولی با اندکی تأمل و غور در وضعیت حاکم بر رژیم صهیونیستی به این واقعیت پی خواهیم برد که پیروزی دست راستی‌ها با سیاست‌های به ظاهر سخت دینی تنها یک ضرورت برای جامعه رو به اضمحلال صهیونیستی است. در حالی که در روند کلی سیاست‌های حاکم هیچ تغییری حاصل نخواهد شد؛ چرا که بعد از این شاهد انعقاد قرارداد صلح کمپ دیوید از سوی این به ظاهر تندروها هستیم، آن هم پس از ۳۰

۱. پژوهشگر سازمان عربی مبارزه با نژادپرستی.

سال حاکمیت صلح طلب‌های به ظاهر متعادل امروزی. در واقع پیروزی جناح دست راستی و مذهبی لیکود در سال ۱۹۷۷ پاسخی ولو ظاهری به یک سری از نیازهای اساسی در عرصه اقتصاد، سیاست، مذهب و فرهنگ جامعه یهودی ساکن در فلسطین اشغالی بود که عدم توجه به آنها مشکلات عدیده این رژیم را دوچندان می‌نمود که ذیلاً نیز به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. یهودیان لائیک علاقه‌ای برای جانفشانی و از خودگذشتگی برای آرمان سرزمین موعود ندارند؛ چرا که به آن اعتقادی ندارند. شکست اولیه در جنگ ۱۹۷۳ زنگ خطری برای این مهم بود. ولی یهودی خشک مقدس و مذهبی رویکردی متفاوت از حضور خود در فلسطین اشغالی دارد و یقیناً مهره خوبی جهت تحقق آرمان صهیونیسم است.

۲. یهودیان مهاجر به سرزمین فلسطین که عمدتاً با جذبه‌های اقتصادی وارد این دیار شده‌اند، پس از مدتی به دلیل ناکامی در امیال مادی خود راه بازگشت به سرزمین قبلی یا ممالک اروپایی را در پیش می‌گیرند و تعهدی در قبال حفظ کیان صهیونیستی ندارند. ولی یک یهودی مذهبی اساساً مهاجرت خود را به فلسطین اشغالی با احساس مذهبی و عمل به تکلیفی همچون آلیا^۱ می‌داند و تخطی از آن را با عنوان یریدا^۲ بسیار مذموم و ناپسند می‌شمارد.

۳. یهودیت متمایل به فساد و تباهی به هیچ روی با روحیات نژادپرستانه خود، قادر نیست تضادها و نابسامانی‌های درون خود را حل کند و صهیونیسم به عنوان پدیده‌ای محکوم به شکست، به تمسک به ظواهر مذهبی و دینی نیاز دارد تا کمی بر دوران حیات رو به افول خود بیفزاید.

۴. چهره صهیونیسم پس از چهار جنگ ویرانگر در منطقه با اعراب همسایه فلسطین اشغالی برای یهودیان جهان به شدت تخریب شد و در این زمان لازم شد تا با حضور مذهبیون تعریف جدیدی از



۱. آلیا وجه دینی و مذهبی مهاجرت به سرزمین موعود و اسکان در آن است.

۲. یریدا وجه دینی و مذهبی بازگشت از سرزمین موعود و مهاجرت از آن برای همیشه است.

آمال صهیونیستی برای جذب یهودیان جهان ارائه شود.

با مرور ضرورت‌های فوق طبیعی است که باید عرصه برای مذهب‌یون گسترده شود و مذهب‌یون نیز بهترین راه برای توسعه نفوذ و حضور خود را آموزش می‌دیدند و بالطبع وزارت آموزش و دستگاه آموزشی کیان صهیونیستی بهترین پشتیبان برای تمام فعالیت‌های دینی و مذهبی بود که بخشی از این فعالیت گسترده را در مقاله حاضر شاهد خواهیم بود.

قبل از شروع مقاله مورد نظر توجه به این نکته بسیار ضروری است که صهیونیست‌ها اگر چه با دمیدن به روح مرده دین و مذهب و عقاید یهود در میان پیروان ظاهری یهودیت، جریان جدیدی در صحنه سیاست و حکومت رژیم صهیونیستی ایجاد کردند ولی هیچ وقت به پیامدهای محتوم و مخرب آن برای کیان صهیونیستی توجهی نکردند. در واقع دانش‌آموزان مکتب افراطی صهیونیسم که از سال ۱۹۷۷ شروع به رشد و نمو کردند در سال ۱۹۹۵ دست به ترور نخست‌وزیر خود زدند و این اندک هزینه‌ای است که صهیونیسم باید برای اجرای سیاست‌های غلط خود بپردازد.

خوانندگان محترم این مقاله برای تکمیل تحقیقات خود در این موضوع می‌توانند به منابع ذیل مراجعه نمایند.

۱. عادل توفیق عطاری، *تعلیم و تربیت صهیونیستی در فلسطین اشغالی یا دیاسپورا*، ترجمه مجتبی بردباری، زیتون، ۱۳۷۷.
۲. دالیا اسپرینزاگ و دیگران، *وزارت آموزش، فرهنگ و ورزش رژیم اشغال‌گر قدس*، ترجمه سید محمود ریاضی، عابد، ۱۳۸۴.
۳. عزیز حیدر، *آموزش و پرورش رژیم صهیونیستی*، ترجمه عبدالکریم جادری، دوره عالی جنگ، دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۸۰.
۴. *پل نامرئی از هنر به سیاست*، به کوشش سید حسین زرهانی، سوره مهر، ۱۳۸۴.



* * *

سیستم آموزشی اسرائیل به عنوان یکی از خاستگاه‌های مهم نشر تفکر صهیونیستی و مهم‌ترین ابزار جهت یکپارچه کردن آنچه صهیونیسم، آن را امت یهود می‌نامد، از اهمیت خاصی برخوردار است. تا جایی که جنبش صهیونیستی مدرسه را اولین محل جهت پایه‌گذاری

وحدت امت یهود می‌داند و نهادهای دیگر نظیر محیط و خانواده را در جایگاه‌های بعد قرار می‌دهد.

مدرسه در اسرائیل فقط وظیفه انتقال دانش‌ها را بر عهده ندارد بلکه نهادینه کردن تفکرات صهیونیستی در افکار نسل‌های آینده نیز از وظایف مدرسه محسوب می‌شود.

سیستم آموزشی در اسرائیل به سه بخش تقسیم می‌شود که - غیر از بخش آموزش‌های مستقل دینی - همگی آنها زیر نظر وزارت آموزش فعالیت می‌کنند. این سه بخش عبارت‌اند از:

۱. سیستم آموزش دولتی: مهم‌ترین سیستم آموزشی اسرائیل است که بیشتر مدارس و مؤسسات آموزش آنها را شامل می‌شود.

۲. سیستم آموزش دینی - دولتی: مدیر این بخش مستقیماً زیر نظر وزیر آموزش قرار دارد

و در بسیاری از موارد قدرت نقض تصمیمات وزارت را نیز دارد.

۳. سیستم آموزش مستقل دینی (حریدی)

که وابسته به جریان‌های ارتدوکس می‌باشد. تفاوت آن با سایر سیستم‌های آموزشی این است که دولت جز در موارد خاص در امور این گروه دخالت نمی‌کند.

اختلاف بین مدارس دینی و مدارس لائیک ناشی از حجم آموزش‌های دینی و پیگیری مراسم مذهبی در این مدارس است، از سوی دیگر رویکرد آموزش‌های دینی نیز به نوبه خود و بر اساس تنوع گرایش‌ها و احزاب دینی داخل اسرائیل با یکدیگر متفاوت است. برای آشنایی با تفاوت‌های موجود بین این



رویکردها ابتدا باید شاخه‌های اصلی آموزش‌های دینی بررسی شود. متدینین در اسرائیل به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱. دینداران متعهد (ارتدوکس، حریدیم): این گرایش بیشترین تعداد دینداران را به خود اختصاص داده است. آنها در مکان‌های خاصی زندگی می‌کنند و روش‌های خاصی نیز برای زندگی دارند. افراد این گروه را می‌توان از طریق کلاه‌های سیاه و ساده‌ای که بر سر می‌گذارند یا لباس‌های سیاهی که می‌پوشند از دیگران متمایز کرد. البته دیدگاه‌های وابستگان داخلی این گروه درباره دولت و مؤسسات دولتی با یکدیگر متفاوت است. بیشتر آنها اهمیت خاصی برای دولت قائل‌اند و با مؤسسات دولتی همکاری می‌کنند و از روی مصلحت در انتخابات شرکت می‌کنند. مثل حزب شاس (پیروان گرایش حریدیم سفاردیم) و حزب هاتوراه (پیروان حریدیم اشکناز که از اروپای شرقی به اسرائیل آمده‌اند) یا حزب حباد حیدی. گروه دیگری از حریدیم‌ها وجود دارند که همکاری با دولت یا شرکت در انتخابات را رد می‌کنند، آنها با اصل تأسیس دولت مخالف هستند. دعوت‌کنندگان به دین یهود (مبشران یهودی) را نیز به کفر متهم می‌کنند و معتقدند این کارها دخالت در خواست و اراده خداوند است. بعضی از افراد این گروه حتی هویت اسرائیلی هم ندارند، گروه «ناطوری کارتا» از این دسته‌اند.

۲. ملی مذهبی‌ها: این عده کسانی هستند که به دکترین جنبش صهیونیستی و اصول آن معتقدند. آنها دین و قومیت‌گرایی را در کنار هم می‌دانند و از زمان برپایی حکومت اسرائیل در آن حضور داشته‌اند. بعضی از فرزندان آنها همچنین به همراه غیر مذهبی‌ها در ارتش نیز خدمت می‌کنند. این افراد عرقچین^۱ نقش‌دار بر سر می‌گذارند. از مهم‌ترین گروه‌های آنها حزب مفدال (جنبش مزارعی) است.

۳. متدینین اصلاح‌طلب: تعداد این عده در اسرائیل بسیار کم است و مقر اصلی آنها در ایالات متحده قرار دارد. این عده بیشتر شبیه جنبش آزادی‌بخش مسیحیان (پروتستان) هستند. آنها به علت آزادنگری به مسائل عبادی و کنار گذاشتن بسیاری از عقاید مذهبی ارتدوکس همیشه با گروه اول ستیزه دارند.



◆ تفاوت‌های اساسی بین سیستم آموزشی دینی، دولتی و سیستم مستقل

دینی

۱. سیستم آموزشی دینی - دولتی: این سیستم گروه‌های مختلفی را شامل می‌شود، از جنبش خریدی حباد گرفته تا گروه‌های لیبرال مذهبی. از ویژگی‌های بارز این مدارس اصرار بر درس‌های مذهبی، محافظت از واجبات دینی و تقید به سیستم مبتنی بر جداسازی پسران و دختران است. هر دانش‌آموزی در این مدارس شب کلاه (کلاه لبه گرد) و یا کلاه حریری بر سر می‌گذارد که روی آن عبارت «پسر، خوبی، قدس» نوشته شده است.

همچنین در این مدارس به نظم و روش‌های جاری آموزشی اهمیت فراوان داده می‌شود. البته این مدارس اخیراً از عوامل خارج از خود تأثیر پذیرفته و از بعضی اصول خود عقب‌نشینی کرده است. از جمله اینکه اختلاط بین دختران و پسران در بعضی مدارس آنان دیده می‌شود. از لحاظ روش‌های آموزشی این مدارس فقط بر متون دینی اکتفا نمی‌کنند بلکه مواد درسی مدارس لائیک هم در آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر در این مدارس روش‌های خاصی جهت تدریس موضوعات مختص به یهود و میراث تفکر دینی آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر این تاریخ، ادبیات، جامعه‌شناسی و مباحثی از سرزمین موعود (اسرائیل) نیز در این مدارس تدریس می‌شود. بنابراین عده‌ای از مواد درسی این مدارس مطابق مدارس دولتی است و بخش دیگر با مدارس خاص متدینین همخوانی دارد.

در زمینه کتاب نیز بعضی از کتاب‌های این مدارس با سیستم دولتی مشترک است و در بعضی دیگر اصلاحاتی صورت گرفته تا با تعالیم دینی همخوانی داشته باشد. همچنین تربیت و آماده‌سازی معلمان این مدارس در مؤسسات خاصی صورت می‌گیرد. از سوی دیگر روزانه جلسات درس و دوره‌های فوق‌العاده برای پژوهش‌های تورات تشکیل می‌شود.

۲. سیستم مستقل آموزش دینی (حریدیم): آموزشگاه‌های تعلیم حریدیم به ۴ قسمت تقسیم

می‌شود:

۱. مدارس آموزشی مستقل

۲. مدارس تلمودی هیتوراه

۳. مدارس ناطوری کارتا

۴. مدارس یشیوا مخصوص تعالیم دینی مستقل.

دولت در اسرائیل مدارس دینی را به رسمیت می‌شناسد و ۸۵٪ از بودجه این مدارس را تأمین می‌کند. البته تفاوت زیادی بین مدارس مستقل و مدارس دینی - دولتی وجود ندارد مگر در تأکید مدارس مستقل به تدریس تورات به صورت گسترده و عدم تدریس کتاب‌های مادی‌گرایانه‌ای که در مدارس دینی - دولتی تدریس می‌شود. مدارس حریدیم سیستم آموزشی

ویژه‌ای دارند که از مهد کودکها شروع می‌شود و تا مرکز تعلیم و تربیت معلمان ادامه می‌یابد. همچنین کسانی که می‌خواهند در این مدارس درس بخوانند باید از خانواده‌های متدین و پایبند به تورات باشند و به فرزندانشان اجازه رفتن به سینماها را ندهند.

مدارس تلمودی هیتوراه مخصوص آموزش پسران است که در آن با زبان ییدیش درس می‌خوانند. روش درسی این

در واقع دانش آموزان مکتب افراطی صهیونیسم که از سال ۱۹۷۷ شروع به رشد و نمو کردند در سال ۱۹۹۵ دست به ترور نخست‌وزیر خود زدند و این اندک هزینه‌ای است که صهیونیسم باید برای اجرای سیاست‌های غلط خود پردازد.

مدارس فقط بر پایه موضوعات دینی است. دولت این مدارس را به رسمیت نمی‌شناسد. تعداد دانش‌آموزان این مدارس در سال ۱۹۸۸ حدود ۱۴ هزار نفر بوده است و البته در حال حاضر اطلاعات جدیدتری از این مدارس وجود ندارد.

مدارس ناطوری کارتا مخصوص خاندان ناطوری کارتا است. در این مدارس علوم دینی، خواندن و نوشتن و حساب تدریس می‌شود. تعداد این مدارس در سال ۱۹۸۷ حدود ۵۰ مدرسه بود که ۱۰۰۰ استاد و ۲۵۰۰۰ دانش‌آموز داشت.

مدارس یشیوا مدارس دینی پسرانه هستند که تخصص آنها در زمینه تدریس تلمود و تورات به صورت عمیق و گسترده و به زبان ییدیش است. هفت نوع از این مدارس وجود



دارد: مدارس وابسته به شهرک سازی یا «یشاو» قدیم (در تمامی سنین)، مدارس دینی نوجوانان (بین ۱۳ - ۱۷ سال)، مدارس دینی بزرگسالان (برای فارغ‌التحصیلان مدارس دینی نوجوانان و نخبگان کم سن و سال)، مدارس جوانان متأهل با نام «کولولیم»، مدارس دینی - حرفه‌ای متوسط، مدارس دینی مخصوص توبه‌کنندگان در بازگشت به سوی دین و مدارس منظم که مخصوص دانشجویان متدینی است که در ارتش خدمت می‌کنند.

همچنین کمیته خاصی با نام «کمیته مدارس دین در سرزمین اسرائیل» وجود دارد که بر

عملکرد مدارس هفتگانه یشیوا نظارت دارد و سیاست‌های کلی آن را طرح‌ریزی می‌کند و در داخل و خارج از کشور نماینده این مدارس است. این کمیته همچنین گواهینامه‌های مخصوص جهت به تعویق انداختن خدمت سربازی صادر می‌کند و به چاپ کتاب‌های دینی خاص مدارس خود نیز همت می‌گمارد. از سوی دیگر مراکز رفاهی و تفریحی و صندوق‌های جمع‌آوری کمک نیز برپا کرده و خود نیز مبالغی به صورت قرض یا هدیه به مدارس تحت نظر خود می‌دهند.

وزارت معارف هزینه آموزش‌های دینی - دولتی را می‌پردازد. از سوی دیگر وزارت رفاه نیز تأمین زندگی دانش‌آموزان مدارس دینی را بر عهده دارد. وزارت کشور نیز مدارسی را برای فراگیر کردن تورات در مناطق در حال توسعه دایر کرده است.

سرپرستی این کمیته را تعدادی از خاخام‌های شهیر خریدی بر عهده دارند.

دانشجویان مدارس خریدی به طور کلی نسبت به دانشجویان سایر مدارس از امکانات آموزشی بسیار بهتری بهره‌مند هستند. این موضوع با بررسی تعداد دانش‌آموزان حاضر در کلاس درس، تعداد ساعات درسی و توجه به درس این دانش‌آموزان نسبت به مدارس دولتی، روشن می‌گردد. تعداد دانش‌آموزان در هر یک از کلاس‌های مدارس خریدی به صورت متوسط

۲۳ نفر است در حالی که متوسط دانش‌آموزان مدارس دولتی ۲۹ نفر در هر کلاس است. هر مدرسه یا مؤسسه آموزشی خریدی ۱۷۹ دانش‌آموز دارد که این عدد درباره مدارس دولتی به ۳۵۸ نفر می‌رسد.

همچنین مؤسسات آموزش خریدی

بودجه دولتی اسرائیل برای امور دینی بعد از بودجه امور دفاعی در مقام دوم فهرست بودجه این رژیم قرار دارد.

بودجه‌های ویژه‌ای برای هزینه سفرهای دانش‌آموزان و معلمان خریدی در نظر می‌گیرند. در مقابل این حمایت نیز وزارت معارف، وظیفه نظارت بر آموزش‌های خاص این مدارس و تعیین معلم برای آنها را به عهده دارد. با وجود این، بازرسان معمولاً از گروه‌های خریدی هستند و همین موضوع نظارت را بر اجرای شروط وزارتخانه عملاً غیر ممکن ساخته است.

◆ حمایت از آموزش‌های دینی

وزارت معارف هزینه آموزش‌های دینی - دولتی را می‌پردازد. از سوی دیگر وزارت رفاه نیز تأمین زندگی دانش‌آموزان مدارس دینی را بر عهده دارد. وزارت کشور نیز مدارسی را برای فراگیر کردن تورات در مناطق در حال توسعه دایر کرده است. وزارت ادیان قبل از انحلال، هزینه زندگی دانش‌آموزان متأهل علوم دینی را پرداخت می‌کرد و سالیانه به هر کدام از آنها ۶۵۰ شیکل می‌پرداخت. علاوه بر این، وزارت ادیان به این دانش‌آموزان کمک هزینه‌ای پرداخت می‌کرد که تقریباً معادل ۱۰۰۰ شیکل در سال بود. در پایان سال ۱۹۹۰ این مبلغ به ۴۰۰ شیکل در سال کاهش یافت. با این همه محافل دینی یهود تنها یک سوم بودجه خود را از طریق دولت می‌گیرند و دو سوم بقیه را از شوراهای شهرها تأمین می‌کنند. علاوه بر این، سازمان‌های یهودی از تمام نقاط جهان برای پشتیبانی از مؤسسات آموزشی دینی کمکهایی را برای آنها

ارسال می‌کنند.

بودجه دولتی اسرائیل برای امور دینی بعد از بودجه امور دفاعی در مقام دوم فهرست بودجه این رژیم قرار دارد. دفتر مرکزی آمار در نظرسنجی با عنوان «تأملی بر بخش آموزشی در سال ۲۰۰۱» از راز درآمد مؤسسات آموزشی بر حسب بخش وابسته به آن پرده برداشت. بر طبق این نظرسنجی وزارت آموزش نیز دقیقاً همان کاری را انجام می‌دهد که وزارت ادیان قبلاً عهده‌دار آن بوده است. وزارت ادیان در اختصاص بودجه تفاوت آشکاری بین مدارس دینی و غیر دینی قائل می‌شد. این وزارتخانه بودجه زیادی را به مدارس دینی و به ویژه دانش‌آموزان خریدیم اختصاص می‌داد. این وزارتخانه در مرحله قبل از دبیرستان ۶۴۳ شیکل برای هر دانش‌آموز مدرسه خریدیم صرف می‌کرد در حالی که برای مدارس عربی هیچ هزینه‌ای نمی‌پرداخت و به مدارس دولتی نیز یک شیکل برای هر دانش‌آموز می‌پرداخت.

حال به وزارت معارف پردازیم. این نظرسنجی تفاوت‌های آشکاری را میان بودجه‌های مدارس دولتی، دینی - دولتی و خریدی نشان می‌دهد. در دوره قبل از دبیرستان، مدارس

خریدیم از این وزارتخانه چیزی حدود ۵۹۹۳ شیکل برای هر دانش‌آموز دریافت می‌کنند. در حالی که این مبلغ برای مدارس دولتی و دینی - دولتی ۲۵۰۰ شیکل است. در دوره ابتدایی نیز این تفاوت بین مدارس عربی، دولتی و دینی - دولتی وجود دارد که گاه به ۱۰۰٪ می‌رسد. اما این تفاوت در مقابل مبلغی که مدارس خریدی از وزارت معارف دریافت می‌کنند بسیار ناچیز است. در این مرحله، مدارس خریدی برای هر دانش‌آموز

هنگامی که کنست در سال ۱۹۵۳ قانون خدمت نظامی اجباری را برای تمام یهودیان بالای ۱۸ سال تصویب کرد احزاب دینی از بن گوریون - اولین نخست‌وزیر اسرائیل - خواستند که دانش‌آموزان مدارس و انستیتوهای دینی از این قانون معاف شوند.

سالانه معادل ۱۸۰۰ شیکل دریافت می‌کنند در حالی که سایر مدارس سالانه بودجه‌ای بین ۲۳۰ - ۱۷۰ شیکل برای هر دانش‌آموز دریافت می‌کنند. در مرحله قبل از دبیرستان کلیه مبالغی که یک دانش‌آموز در مدارس دولتی - از سوی تمام مؤسسات - دریافت می‌کند معادل ۲۹۱۲ شیکل در سال است. این مبلغ در خصوص دانش‌آموزان مدارس دینی - دولتی نیز ۳۵۳۹ شیکل است در حالی که مبلغی که دانش‌آموزان مدارس حریدیم دریافت می‌کنند به ۸۲۴۷ شیکل در سال می‌رسد.

در زمینه خدمت سربازی نیز دولت‌های اسرائیل معمولاً دانش‌آموزان مدارس دینی را از خدمت در ارتش معاف می‌کنند و معمولاً بسیاری از لائیک‌ها از این موضوع - که چندین سال در خدمت سربازی اجباری و ذخیره‌ای به سر می‌برند - خشمگین می‌شوند. همچنین دینداران موفق شدند قبل از موافقت دولت برای تشکیل آژانس بین‌المللی یهود، زنان محصل این مدارس را نیز از خدمت سربازی معاف کنند.

هنگامی که کنست در سال ۱۹۵۳ قانون خدمت نظامی اجباری را برای تمام یهودیان بالای ۱۸ سال تصویب کرد احزاب دینی از بن گوریون - اولین نخست‌وزیر اسرائیل - خواستند که دانش‌آموزان مدارس و انستیتوهای دینی از این قانون معاف شوند. این امر با هدف شکل‌گیری گروهی جدید از خاخام‌های یهودی (به عوض آنهایی که در زمان نازی‌ها در اروپا کشته شده بودند) صورت می‌گرفت. آنها معتقد بودند دانش‌آموزان مدارس دینی به سبب اشتغال به مباحث و پژوهش‌های دینی وقت کافی برای خدمت سربازی ندارند. در نظر متدینان پیوستن به ارتش به دوری از فرایض دینی و ارزش‌های اخلاقی منجر می‌شود و از سوی دیگر وقت کافی برای پژوهش و دقت در مسائل را از آنان سلب می‌کند.

در سال ۱۹۴۸ تعداد افرادی که خدمت سربازی آنها به این شکل به تعویق افتاد حدود ۴۰۰ نفر بودند. این تعداد بیانگر تعداد کسانی بود که طی آن سال در مدارس دینی تحصیل می‌کردند. در خلال سال‌های ۱۹۶۸ - ۱۹۷۰ این عدد به ۷۰۰ نفر در سال افزایش یافت و در سال ۱۹۷۰ شیمون پرنز، وزیر دفاع وقت اسرائیل، آن را به ۸۰۰ نفر در سال افزایش داد. این

موضوع تا سال ۱۹۷۷ و روی کار آمدن حزب لیکود ادامه داشت. طی این دوره احزاب دینی در این زمینه شروع به عقب‌نشینی کردند. از جمله این عقب‌نشینی‌ها عفو و تعویق خدمت سربازی اشخاص توبه کننده در کنار دانش‌آموزان مدارس دینی بود. اشخاص توبه کننده لائیک‌هایی بودند که بعداً به دین یهود باز می‌گشتند. علاوه بر این دانش‌آموزانی که هیچ پیش‌زمینه دینی نداشتند و علاقه‌مند به تحصیل در مدارس دینی بودند نیز معافیت یا تعویق خدمت دریافت می‌کردند و همین موضوع باعث شد تعداد افرادی که خدمت سربازی را به تأخیر می‌اندازند سالانه به ۱۰۰۰ نفر برسد.



در سال ۱۹۸۱ یعنی هنگامی که آریل شارون وزیر دفاع بود معلمان و دانش‌آموزان مدارس دینی که سنشان از ۴۰ سال بیشتر بود معافیت دائم دریافت کردند.

در سال ۱۹۸۱ یعنی هنگامی که آریل شارون وزیر دفاع بود معلمان و دانش‌آموزان مدارس دینی که سنشان از ۴۰ سال بیشتر بود معافیت دائم دریافت کردند و به آنان اجازه سفر به کشورهای خارجی بدون قید و شرط داده شد. به این ترتیب تعداد دانش‌آموزانی که خدمت سربازی را به تأخیر انداختند در کل به بیست هزار نفر رسید. البته این بدان معنی

نیست که هیچ کدام از این دانش‌آموزان مدارس دینی به ارتش نمی‌روند، بلکه تعدادی از آنها دوره عمومی سربازی را در طول مرخصی سالانه یا در مدت کناره‌گیری از درس می‌گذرانند، تعدادی از آنان نیز در مدارس دینی - نظامی خدمت می‌کنند. مدارس دینی - نظامی شامل مدارسی است که در آن پژوهش‌های دینی به همراه خدمت نظامی محدودی انجام می‌گیرد. فعالیت‌های نظامی این مدارس نیز در چارچوب مسائل دینی است، این مدارس به جنبش ملی مذهبی‌ها وابسته هستند. تشکیل این مدارس به عنوان راه حلی برای مشکل ملی مذهبی‌ها به شمار می‌رفت. آنها دوست داشتند فرزندانشان تعلیمات گسترده دینی را یاد بگیرند تا از افتادن

در دام جوانان لائیک جامعه در امان باشند و از سوی دیگر به سهیم بودن در ارتش نیز مقید بودند و دوست داشتند ارتش را به داخل جامعه اسرائیل وارد کنند.

از حدود ۴۰ سال پیش این شبهه مطرح بود که دانش‌آموزان علوم دینی قدرت خرید را در ارتش ندارند. مدارس حریدی به این شبهه به این صورت پاسخ می‌دادند که اگر انسان از تورات دور باشد نمی‌تواند از آن دفاع کند و کسی که حتی برای چند ماه از پژوهش در تورات کناره‌گیری کند هرگز نمی‌تواند دانش‌آموز با استعدادی باشد. از این رو، مدارس حریدی ترجیح دادند که دانش‌آموزانشان به خدمت سربازی نروند تا وقت کافی برای مطالعه تورات و تلمود داشته باشند. ایده تشکیل مدارس دینی نظامی دقیقا در پاسخ به این نظریه و برای جمع کردن دین و زندگی شکل گرفت.

در ابتدا این مدارس نمی‌توانستند فرزندان خاخام‌ها را به عنوان دانش‌آموز جذب کنند. طولی نکشید که به علت گرایش‌های گروه‌های مختلف، این مدارس به مدارس مردمی تبدیل شدند. مدتی بعد جایگاه این مدارس در ارتش بالاتر رفت و در پی آن ارزش آن در نزد مردم نیز

دوچندان شد. گرایش روز افزون مردم به این مدارس موجب شد تا در هر شهرک صهیونیستی جدید یک مدرسه دینی نظامی نیز دایر شود. علاوه بر این در تمامی شهرک‌های قدیمی نیز این مدارس احداث گردید. این دستاوردها باعث شد بودجه وزارت دفاع برای این مدارس افزوده شود و از ۲۲ - ۴۰ میلیون شیکل در سال ۲۰۰۲ به ۲۶ - ۴۰ شیکل در سال ۲۰۰۴ برسد. از سوی دیگر ارتش اسرائیل نیز سعی دارد این مدارس را از سیستم آموزشی جدا کند و



سربازان آن را در یگان‌های مختلف ارتش سازماندهی نماید.

از آنچه گذشت روشن شد که شیوه آموزشی خریدی از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نیست؛ زیرا جوانان را برای زندگی اقتصادی آماده نمی‌کند و این موضوع از شیوه خاص تدریس در این مدارس ناشی می‌شود، چرا که جوانان فقط برای پژوهش‌های دینی آماده می‌شوند و هیچ آموزش دیگری برای ایفای نقش فعال در جامعه نمی‌بینند. از سوی دیگر برنامه درسی این مدارس دروسی نظیر علوم، ریاضی و زبان‌های خارجه را در خود جای ندادند تا فارغ‌التحصیلان آن بتوانند در زمینه‌های مختلف تولید حضور داشته باشند.

اما از سوی دیگر این آموزش‌ها برای پایداری رژیم صهیونیستی تأثیر و اهمیت بسزایی دارد. آنها افراد شایسته‌ای را برای دفاع از هویت یهود تربیت می‌کند که می‌توانند خدمات مختلف دینی به مردم ارائه دهند و دین یهود را به ده‌ها هزار نفر از مهاجرانی بیاموزد که هیچ چیز درباره یهود و یهودیت نمی‌دانند. علاوه بر این، فارغ‌التحصیلان این مدارس تأثیر مهمی در دفاع از مضامینی چون وعده مقدس و حق بقا دارند. به این ترتیب دولت صهیونیستی از نقش احزاب دینی و مدارس خریدی و حمایتی که از آموزه‌های دینی به ویژه مدارس خریدی انجام می‌دهد بهره فراوانی می‌گیرد. البته گه گاه با تغییر چینش سیاسی دولت، بودجه‌ها و هدایای این مؤسسات نیز دستخوش تغییر می‌شود. اما هیچ‌گاه اصل مسأله را از بین نمی‌برد و حمایت دولت از این شیوه تعلیمی همچنان ادامه خواهد داشت.

◆ منابع

۱. «ارتش اسرائیل در قبضه مذهبی‌ها»، المعرفه نت، ۲۰۰۶/۵/۱۷.
۲. عبدالفتاح ماضی، دین و سیاست در اسرائیل، قاهره، کتابخانه مدبولی، ۱۹۹۹.
۳. جدعون عیثت، «میزان تبعیض بین دانش‌آموزان بخش‌های مختلف تحصیلی»، مختارات اسرائیلیه، ش ۱۱۸، اکتبر ۲۰۰۴، مرکز اینترنتی الاهرام، ویژه پژوهش‌های سیاسی و

استراتژیک.

۴. یولی حر و مچنکو، «شاخص‌های بهره‌برداری و رشد دانش‌آموزان خریدیم خوب است»،
مختارات اسرائیلیه، ش ۱۱۸، اکتبر ۲۰۰۴.
۵. جمعی از نویسندگان، راهنمای اسرائیل سال ۲۰۰۴، بیروت، مؤسسه مطالعاتی فلسطین،
۲۰۰۴.
۶. اکرم الفی و دیگران، از داخل اسرائیل، قاهره، مؤسسه انتشاراتی میریت، ۲۰۰۲.
۷. «روش‌های آموزشی در سازمان و طرد طرف مقابل»، ایاد القراء، سایت اسلام اونلاین،
۲۰۰۴/۱/۱۱.
۸. «روش‌های آموزشی و درگیری در اسرائیل»، هشام القریدی، شبکه اینترنتی الاعلام
العربی، ۲۰۰۵/۴/۸ م.
۹. روش‌های آموزشی اسرائیل و درگیری اعراب و اسرائیل، مرکز مطالعات خاورمیانه.